

## علامه طباطبایی عالم ذر را واقعی می‌داند

استاد درس خارج حوزه علمیه تاکید کرد: از منظر علامه طباطبایی اینکه گفته می‌شود ...



استاد درس خارج حوزه علمیه تاکید کرد: از منظر علامه طباطبایی اینکه گفته می‌شود حیات قبل از دنیا و حیات سابقه، استعداد است درست نیست زیرا واقعا حیاتی قبل از این دنیا وجود داشته است و اینکه گفته شود اعمال در قیامت مجاز است باز هم درست نیست زیرا خود عمل مجسم خواهد شد.

مهدی هادوی تهرانی به گزارش ایکن، آیت‌الله مهدی هادوی تهرانی؛ استاد درس خارج حوزه علمیه، ۳ دی ماه در ادامه سلسله مباحث تفسیری سوره مبارکه حجر به آیه ۸۵ به بعد پرداخت که متن سخنان ایشان به شرح زیر است؛

علامه طباطبایی این آیه «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ قَاصِحَةٌ الصَّغَحِ الْجَمِيلِ» را به آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةٌ فَمَا وَقَفَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ يَهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ» ارجاع داده است و می‌فرماید: درباره اضلال در «وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ» یک اضلال فی نفسه و یک اضلال ناشی از اعمال یا من نفسه داریم؛ یک گمراهی ذاتی و گمراهی دیگری هم ناشی از اعمال است؛ یعنی اینها اولاً فاسق بودند و بعد این فساد برای آنان ایجاد شد.

علامه طباطبایی فرموده است که از آیات برمی‌آید که انسان سه نوع زندگی دارد؛ زندگی قبل از دنیا، دنیا و بعد از دنیا و این‌ها با هم مرتبط هستند؛ برخی شاگردان علامه طباطبایی هم از تعبیر ایشان برداشت کرده‌اند که انسان‌ها قبل از این عالم دنیا برخی شقی و برخی سعید هستند و وقتی به دنیا آمدند شقاوت و سعادتشان بروز و ظهور خواهد یافت و نتیجه این دو گروه هم مشخص است زیرا افراد با سعادت به بهشت رفته و افراد شقی به جهنم خواهند رفت. البته این تعبیر به نظر بنده درست نیست و آیات قرآن و روایتی که ذکر می‌کنم در تضاد با این مسئله است.

از منظر ایشان اینکه گفته می‌شود حیات قبل از دنیا و حیات سابقه، استعداد است درست نیست زیرا واقعا حیاتی قبل از این دنیا وجود داشته است و اینکه گفته شود اعمال در قیامت مجاز است باز هم درست نیست زیرا خود عمل مجسم خواهد شد.

ایشان با استناد به آیه شریفه ۲۲ سوره ق «لَقَدْ كُنْتُمْ فِي عَفْوَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» فرمودند که قیامت الان وجود دارد ولی چشم انسان‌ها در آن روز بینا می‌شود و به حقیقت اعمال پی خواهند برد و امروز ما غافل هستیم و پرده‌ای جلوی بینایی و بصیرت چشم باطنی ما را گرفته است و حقایق را آنطور که باید نمی‌بینیم.

در مورد عالم ذر و قبل از دنیا و ماجرای میثاق یعنی «الست بربکم قالوا بلی» روایاتی وجود دارد که معمولاً ائمه (ع) چنین مطالبی را به اصحاب خاص می‌گفتند، حبیب سجستانی از هشام بن سالم از امام باقر (ع) نقل کرده است؛ من از امام باقر (ع) شنیدم که وقتی خداوند ذریه آدم را از ظهر آدم بیرون کشید تا بر ربوبیت خودش و نبوت همه انبیاء میثاق بگیرد، در ابتدا هم برای نبوت پیامبر (ص) میثاق گرفت. خداوند به آدم فرمود: انظر ماذا تری؛ نگاه کن چه می‌بینی؟ آدم به فرزندانش نگاه کرد و این‌ها در یعنی ذرات بودند که آسمان را پر کرده بودند. تعجب آدم از فراوانی ذریه خود

آدم خطاب به خدا فرمود خدایا چقدر ذریه من زیاد هستند؟ خداوند فرمود که اینها خلق شدند تا به پیامبران من ایمان داشته باشند و از آنان تبعیت کنند؛ آدم (ع) «ان قلت» کرد و گفت خدایا چرا ذریه من اینقدر با هم فرق دارند؛ برخی نور زیادی دارند و برخی بدون نور هستند و برخی هم نورشان کم است؛ خدا فرمود من این افراد را متفاوت خلق کردم تا آنان را امتحان کنم و بیازمایم.

خداوند فرمود روح تو از روح من است ولی طبیعت تو اینطور نیست و آدم گفت که اگر همه این‌ها را یکجور خلق می‌کردی بهتر نبود؟ یعنی رنگ و نژاد و روزی و استعداد همه آن‌ها یکی بود و در این صورت برخی بر دیگری بغی و ظلم نمی‌کردند و مثلاً مانند امروز مردم غزه را مورد ظلم خود قرار نمی‌دادند. خداوند فرمود آنچه را گفتمی به خاطر طبیعت تو بود؛ من خالق هستم که عالم هستم و با علم خودم انسان‌ها را متفاوت خلق کردم و با تدبیر و تقدیر من اینگونه خلق شده‌اند و من خلق نکردم جن و انس را جز برای اینکه بندگی مرا بکنند و بهشت برای کسی است که از من اطاعت و عبادت کند و پیرو پیامبران من باشد و اینکه رنگ و

قد و نژاد و پوست او چگونه است مهم نیست و مهم این اطاعت و عبادت من است.

در ادامه فرمود جهنم را برای کسانی که کفر و عصیان به من دارند خلق کردم و برای من مهم نیست که این فردی که تبعیت نمی کند سفید است یا سیاه و فقیر و غنی و بلکه اعمال آنان مهم است و اینکه در مسیر اطاعت باشند.

من تو و فرزندان را خلق کردم بدون اینکه نیازی به شما داشته باشم و خلق کردم تا تو را و آن ها را آزمون و امتحان کنم تا بدانند کدامشان اعمال بهتری دارند. من اینها را متفاوت خلق کردم و یکی زشت و دیگری زیبا، یکی فقیر و دیگری غنی، یکی سالم و دیگری بیمار و یکی عالم و دیگری جاهل و یکی زمینگیر است و دیگری مشکلی ندارد و آن کسی که سالم است باید به فردی که بیمار است نگاه کند و حمد خدا را به جا بیاورد و آن که گرفتاری و بیماری دارد به فرد سالم نگاه کند و از من عافیت بخواهد و دعا کند و بر ابتلاء و گرفتاری خودش صبر کند تا من عطای بزرگ خود را به او بدهم.

حضرت سجاده (ع) در صحیفه به خدا عرض کرده است که نمی دانم کدام یک از این دو حالت جای شکر بیشتری دارد؛ آن وقتی که به من طیبات رزق را داده ای و از نعمات تو می خورم یا وقت بیماری که چیزهای خاص دیگری به من می دهی؛ بنابراین بیماری فی نفسه بد نیست و آثاری دارد که نمی توان گفت بدتر از سلامت است.

خدا در ادامه خطاب به آدم (ع) فرمود: اینگونه افراد را متفاوت خلق کردم تا پولدار به فقیر نگاه کند و مرا شکر نماید و فقیر هم به غنی بنگرد و توجه به من پیدا کند که من به او هم بدهم و از من درخواست کند. بنابراین انسان در سراء و ضراء و در پنهان و آشکار مورد ابتلاء و آزمون قرار می گیرد؛ در فقر و غنا و سلامتی و بیماری و ... مورد ابتلاء است و من می توانم در آنچه تدبیر کرده ام تغییر بدهم و هر چیزی را به کسی که دوست دارم بدهم و چیزهایی را که به تاخیر انداختم جلو بیندازم و چیزهایی را که جلو افتاده به تاخیر بیندازم.

مثلا ممکن است تقدیر ما این است که یک ساعت دیگر بمیریم ولی خداوند به خاطر کار خوبی که می کنیم آن را مدتی به تاخیر می اندازد به این دلیل در آیه شریفه فرمود: **إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ**؛ پروردگار تو خلق کننده داناست. اصحاب سرّ امام باقر (ع)

این روایت اگر به حبیب سجستانی گفته شده نشان می دهد که این فرد از صحابه ویژه بوده است. البته این روایت مربوط به عالم ذر است؛ در عالم ذر خدا با آدم گفت وگو کرده و آدم سؤال می کند که چرا اینها را یکطور نیافریدی ولی خدا آن را به علم ربوبی بازگشت می دهد یعنی من خالق دانا هستم و می دانم چه می کنم؛ من خلق کردم تا زمینه برای آزمایش همه افراد فراهم شود.

البته این علم خداوند، اکتسابی نیست بلکه علم به واقع است یعنی انسان قبل از خلق، واقعا در مرحله علم ربوبی موجود بوده است و بعد خلق شده است؛ اینجا این پرسش دشوار ایجاد می شود که اگر انسان در عالم ذر خلق شده است خلقت در دنیا چه معنایی دارد یعنی اگر از ابتدا خلق شده بودیم، پس چگونه دوباره خلق شدیم؟

پاسخ اجمالی اینکه خدا قبل از خلقت ما به ما به نحو اجمال علم داشت و بعد از خلقت ما هم به ما علم به نحو تفصیلی علم دارد اما آن علم اجمالی عین علم تفصیلی است. رد یک شبهه

اینکه برخی از شاگردان علامه طباطبایی اینگونه برداشت کرده اند که برخی از افراد در عالم ذر شقی یا سعید بودند اینطور نیست؛ خود این روایات به اضافه روایات دیگر و قرآن کریم صحیح نیست زیرا اگر کسی از ابتدا شقی یا سعید باشد ارسال رسل و انزال کتب فایده ندارد و دین هم ارزش و اعتبار خود را از دست خواهد داد ضمن اینکه در این روایت هم بیان شد که من قصد دارم انسان ها را امتحان کنم تا ببینم کدامیک اعمال بهتر و خداپسندانه تری دارند.

اگر قرار بود همه انسان ها یک طور و یک رنگ و یک نژاد و با یک میزان ثروت و امکانات و استعداد خلق شده بودند در این صورت آزمون و ابتلاء هم معنا نداشت و بستری برای آن فراهم نمی شد. به همین دلیل در سوره حجرات فرموده است: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.**